

یادداشت‌های چهل و چند سالگه

دکتر مه‌ی زنگنه بایگی

www.ketab.ir



- سرشناسه : زنگنه بایگی، مهدی، ۱۳۵۶-
عنوان و نام پدیدآور : یادداشتهای چهل و چند سالگی / مهدی زنگنه بایگی.
مشخصات نشر : مشهد : سخن گستر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۱۶۵ ص؛ ۱۴/۲۱×۵/۵ س.م.
شابک : 978-622-295-060-6
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : زنگنه بایگی، مهدی، ۱۳۵۶- -- خاطرات
موضوع : یادداشتها
Notebooks
رده بندی کنگره : ۱۸۸۸CT
رده بندی دیویی : ۰۵۵/۹۲۰
شماره کتابشناسی ملی : ۸۶۸۸۱۶
اطلاعات رکورد : فیپا
کتابشناسی

یادداشتهای چهل و چند سالگی
دکتر مهدی زنگنه بایگی

چاپ اول / ۱۴۰۰
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
چاپ البرز
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۵-۰۶۰-۶



ناشر: سخن گستر
مشهد- خیابان ابن سینا- بین ابن سینا ۱ و ۳- ساختمان اطبا /
تلفن: ۰۵۱۳۸۴۳۹۹۵۵
۰۹۱۵۷۹۸۹۹۳۸

فهرست

۱۵	۱. پدیده‌ای بنام کرون
۲۰	۲. نکاتی چند در مورد حرم امام حسین (علیه السلام)
۲۳	۳. کشمکش غریب (داستان یک رویداد غیر معمول)
۲۷	۴. سخنی در باب علت العلل مشکلات این سرزمین
۲۹	۵. قصه روزگار تلخ‌تر از زهر
۳۳	۶. ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد
۳۵	۷. تاملی کوتاه در وصف گونه انسان
۳۸	۸. باران می‌بارد، باران...، شدید و بی‌مهابا
۴۰	۹. پاییز در انتهای ماه دوش به تکاپو افتاده است تا خودی نشان بدهد
۴۲	۱۰. صبح یکشنبه نهمین روز نهمین ماه سال ۹۹
۴۳	۱۱. آخرین آدینه از پاییز ۹۹، آخرین پاییز قرن
۴۵	۱۲. جمعه، دوم دی ماه ۱۳۸۲
۴۸	۱۳. اولین روز آخرین ماه سرد و خاموش
۴۹	۱۴. سوم اسفند ۱۳۹۹
۵۱	۱۵. واقعیت و حقیقت، مساله کدام است؟
۵۳	۱۶. روز جمعه، روز آخر ماه، روز آخر فصل، روز آخر سال، روز آخر قرن
۵۶	۱۷. توصیه‌هایی تکراری اما مهم برای خودم در سال جدید
۵۹	۱۸. باران باش و بیار، مپرس پیاله‌های خالی از آن کیست
۶۰	۱۹. نیایش

۲۰. جامعه ایرانی و دریای تناقض‌ها ۶۱
۲۱. لحظات لطیف بارانی ۶۴
۲۲. شب قدر ۶۶
۲۳. امشب خدا از همیشه به زمین نزدیک‌تر است ۶۸
۲۴. یک باران عصرگاهی کوتاه اما دلپذیر ۷۰
۲۵. باز هم خبری تلخ و باز هم تجربه روز و ساعتی غمگین ۷۲
۲۶. دنیای درون و دنیای برون ۷۴
۲۷. سرزمین مردمان اندوهگین ۷۶
۲۸. معنای زندگی ۷۹
۲۹. سه گانه‌ای زیبا از شیخ اشراق ۸۱
۳۰. ماه جنگ ۸۴
۳۱. روز هشتم، ماه سیزدهم و فصل پنجم ۸۶
۳۲. کرونا در زاهدان هم چنان جان می‌گیرد ۸۸
۳۳. روزگار تلخ‌تر از زهر ۹۰
۳۴. ادب مرد به ز دولت اوست ۹۳
۳۵. خدا به زبان ساده ۹۵
۳۶. مراسمی عظیم با زبان گویای حرکت ۹۸
۳۷. مراسمی عظیم با زبان گویای حرکت (ادامه) ۱۰۱
۳۸. خدا و نیایش به زبان ساده ۱۰۳
۳۹. غدیر و یک تلنگر ساده ۱۰۸
۴۰. سرگذشت سر آقای بی‌سر ۱۱۱
۴۱. ۳۰۸ سال پیش در چنین روزی ۱۱۳
۴۲. دانم که ندانم ۱۱۵
۴۳. سخنی کوتاه در باب غفلت ۱۱۷
۴۴. نوشتن این متن، حداقل کاری است که به ذهنم رسید ۱۱۹
۴۵. به یاد بهروزان، موثرترین و گمنام‌ترین قشر نظام سلامت ۱۲۲
۴۶. ۲۰ سال پیش در چنین روزهایی ۱۲۵
۴۷. داستان چشم ۱۲۷
۴۸. باد تند است و چراغم ایتری ۱۳۲
۴۹. آقا، خانم، واکسن آماده است، بفرمائید ۱۳۴
۵۰. پروردگارا ۱۳۶

مقدمه

آدمی آن هنگام که به مدرسه و دانشگاه می‌رود، سری پرشور دارد و فکری فارغ از هر دغدغه. نه به زندگی می‌اندیشد و نه به آینده، چه بسا هر روز در پی اتمام این دوران است تا هر چه زودتر زندگی واقعی (به زعم خود، کار و پول و...) را در آغوش کشد. غافل از اینکه، بهترین دوران، همین روزهایی است که به سرعت در حال گذرند و معمولاً کسی برایش برنامه‌ای ندارد. تازه وقتی مدرک را می‌گیری و به دنبال شغلی می‌گردی، قصه پرغصه روزگار شروع می‌شود، آغازی که دیگر پایانی برایش نیست. هر روز چالش‌های تازه و هر لحظه، دغدغه‌های جدید. از اینجا است که زندگی، رنگ و بوی تکرار به خود می‌گیرد و گذر زمان، سرعتی صد چندان به خود می‌گیرد.

دهه سوم و چهارم زندگی که سپری می‌شود، شرایط شکل دیگری به خود می‌گیرد. از این زمان است که افراد، با افکار و تاملات درونی مواجه می‌شوند و در پی پاسخ به پرسش‌های متنوع و متعدد بر می‌آیند:

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر نمایمی وطنم